

آرزوی دیرین

سالیانی دراز پیش، در دوران دانشجویی، زمانی که معلم دبستان بودم دریافتم که خردسالان ایرانی وسیله ای برای پژوهشهای انفرادی ندارند. همه چیز را باید از معلم پرسند یا اگر این بخت را داشته باشند که در خانواده ای تحصیل کرده به دنیا آمده باشند از دانش والدین خود نیز بهره مند شوند. در آن زمان، بعد از جنگ جهانی دوم، که تازه بازار کتابهای ترجمه شده رونقی یافته بود هنوز بازار کتابهای مخصوص کودکان سخت کساد بود. در گوشه و کنار کتابهایی چاپ می شد که البته در آن قحطی کامل بهتر از هیچ بود ولی تقریباً همه ترجمه هایی از داستانهای فرنگی بود. کتابهایی چون قصه های پای کرسی و یا مجموعه های داستانهای عامیانه ای که صبحی گردآوری می کرد و یا کتابهای شعر عباس یمینی شریف و باغچه بان، غیر از کتابهایی که وزارت فرهنگ به یاری افرادی چون مرحوم دکتر هوشیار و دیگر مریبان علاقه مند تهیه کرده بود (مجموعه خواندنیها و سرگرمیها)، از بهترین خواندنیهای ایرانی برای کودکان بودند. در این میان از کتابهای غیر داستانی و کتابهای مرجع اثری نبود. اگرچه سالها از آموزش زبان دوم در مدارس می گذشت هنوز هیچ کس حتی به فکر تهیه کتاب لغتی برای نوآموزان نیفتاده بود (و هنوز هم جای آن خالی ست).

از سال ۱۳۴۱ که روال تدریس خواندن و نوشتن در مدارس تغییر کرد و سن خواندن مستقل خردسالان از حدود ۱۰-۱۲ سالگی به حدود هفت سالگی تقلیل یافت و در نتیجه تعداد خوانندگان کتابهای کودکان چندین برابر شد توجه ناشران به این بازار پر منفعت جلب گردید. متأسفانه درصد بسیار بزرگی از کتابهایی که در این بازار عرضه می شد هنوز هم

ترجمه بود ولی رفته رفته وجود ناشران آگاهی چون بنگاه ترجمه و نشر کتاب و ابن سینا و امیر کبیر باعث شد که به نویسندگان ایرانی نیز توجه شود. تعیین جایزه های سالانه و انتشار فهرستهای کتابهای مناسب از طرف انجمن کتاب و شورای کتاب کودک در جهت دادن به انتشارات مخصوص کودکان و نوجوانان نقشی مثبت داشت. در این سالها بود که نویسندگانی چون مهدی آذریزدی و صمد بهرنگی آثار خود را به کودکان و نوجوانان اختصاص دادند.

در دههٔ چهل تأسیس کتابخانه های کودکان و نوجوانان و دسترسی اطفال در شهر و روستا به کتاب بهترین مشوق کتابخوانی کودکان و نوجوانان در ایران گردید. کتابخانه های مزبور پر از خوانندگان نوجوانی شده بود که مشتاقانه در پی به دست آوردن معلومات گوناگون بودند ولی هنوز هم کتابهای غیر درسی که در اختیار آنها بود ترجمه های کتابهای غیر داستان از زبانهای غربی بود و از کتب مرجع اصلاً خبری نبود.

شورای کتاب کودک که در آن سالها تنها مؤسسه ای بود که به امر انتشارات مخصوص این گروه سنی توجه دقیق داشت در همه بررسیهای خود نشان می داد که بزرگترین خلأ در زمینه ادبیات کودکان ایران کتابهای مرجع هستند و در همه گردهماییهایی که با ناشران و نویسندگان داشت این کمبود عظیم را مطرح می کرد. در جواب این نیاز بزرگ، ناشران دست به انتشار کتابهایی به نام دانستنیهای کودکان و خردسالان زدند ولی متأسفانه در این کتابها مطالب اجتماعی و علمی ناقص و گاه به گاه کاملاً غلط در اختیار خوانندگان جوان و بی تجربه قرار می گرفت. بارها با ناشران و نویسندگان و معلمان برجسته ایرانی مسأله لزوم تهیه فرهنگنامه ای با استفاده از منابع معتبر و شناخت مسائل از دید فرهنگ ایرانی گفت و شنودهایی انجام گرفت ولی متأسفانه حتی بنیادهایی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با وجود داشتن همه امکانات لازم، در این زمینه قدمی برنداشتند. بسیاری از مترجمان منابع علمی آن زمان که از معلمان زبردست علوم و علوم اجتماعی بودند اصلاً معتقد بودند که ترجمه کردن یک فرهنگنامه خوب فرنگی به بهترین وجهی این کمبود را جبران خواهد کرد.

در اوایل سالهای پنجاه بود که مؤسسه انتشارات امیر کبیر به کمک مؤسسه فرانکلین یکی از معروفترین فرهنگنامه های زبان انگلیسی برای کودکان و نوجوانان (مجموعه برتا موریس پارکر) را به زبان فارسی ترجمه کرد و منتشر ساخت. بسیاری این اقدام را ستودند و گفتند که عاقبت این آرزوی دیرین مربیان ایرانی برآورده شد!
آیا واقعاً چنین بود؟ آیا این درست بود که با رجوع به این کتابها نوآموزان ایرانی

درباره فرهنگ ایران فقط از دریچه چشم نویسندگان غربی اطلاعاتی به دست بیاورند؟ یا در زمینه های علمی هرگز با نام دانشمندان و علمای ایرانی برخورد نکنند و به این عقیده دل بندند که شرق هرگز در زمینه علوم کاری قابل ملاحظه انجام نداده است و باید همواره خرده خوار سفره گسترده علمای غرب باشد؟ گروهی از مرییان و کارشناسان ادبیات کودکان با همه اجری که به زحمات گروه مترجمان این مجموعه گذاشتند بی پروا گفتند و نوشتند که این فرهنگنامه جوابگوی نیاز پژوهشی کودکان ایرانی نیست. در سالهای میانه پنجاه مذاکرات متعدد با مؤسسه تهیه مواد خواندنی وزارت آموزش و پرورش و سازمان کتابهای درسی ایران که از بودجه های دولتی برخوردار بودند و به خوبی به لزوم آغاز کاری اساسی در این زمینه آگاهی داشتند نیز بی نتیجه ماند.

عاقبت بسته شدن مدارس ملی و تغییرات سیاسی که در ایران به وجود آمد عده ای از فرهنگیان آگاه را به رهبری شیرزنی آزاده و دردشناس بر این داشت که خود دست به کار تهیه فرهنگنامه کودکان و نوجوانان شوند. فرهنگنامه ای که با برخورداری از همه پژوهشهای علمی برونمرزی و درونمرزی جوابگوی ذهن کنجکاو کودکان و نوجوانان ایران باشد. در سال ۱۳۵۸ خانم توران میرهادی که از پایه گذاران شورای کتاب کودک بودند با یک گروه شش نفری قدم اول در طرح ریزی فرهنگنامه را برداشتند.

کاری بسیار عظیم آغاز گردید. رفته رفته گروهی بزرگ از کارشناسان رشته های مختلف، مترجمان، نویسندگان، معلمان و طراحان که اغلب از همکاران و دوستان شورای کتاب کودک هستند آرام و بی سرو صدا در این کار بنیادی سهیم گشتند. تا آن جا که امروز تعداد همه کسانی که دست اندر کار تهیه فرهنگنامه هستند متجاوز از دویست نفر شده است.

در ابتدای کار ماهها به مطالعه و بررسی و مشاوره در راهیابی به روشی معقول در انجام چنین کاری گذشت. مطالعات و بررسیهای نخستین به این نتیجه رسید که این فرهنگنامه در ۱۶ جلد برای کودکان و نوجوانان ده تا شانزده ساله ایرانی تهیه و تدوین شود.

تهیه مطلب یک سوی مسأله بود و فراهم آوردن منابع مادی برای پرداخت انواع هزینه ها و چاپ و انتشار چنین اثری سوی دیگر آن. گروه تهیه کنندگان فرهنگنامه با برخورداری از منابع مالی که مرحوم مهندس محسن خمارلو (همسر فقید خانم میرهادی) در زمان حیات خویش برای اقدامات فرهنگی اختصاص داده بود، آغاز به کار کرد. اندکی بعد گروهی کوچک از دوستان شورای کتاب کودک و افرادی که به لزوم این کار ایمان داشتند نیز در پرداخت بخشی از هزینه های این کار عظیم شریک شدند. و عاقبت در سال

۱۳۶۶ شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان تأسیس گردید. در این باره در مقدمه جلد اول این مجموعه می خوانیم:

برای اولین بار در تاریخ نشر کشور گروهی از شیفتگان تربیت نسل جوان، ناشران، متخصصان آموزش و پرورش، محققان و نویسندگان برای نیل به هدفی مشترک گرد هم آمدند. نیت اصلی پدایش این حرکت جمعی بی سابقه، بهره وری مادی نبود، بلکه این عده از این روگرد آمده بودند تا با پشتوانه مناسبی از نیروی انسانی و امکانات مادی و معنوی راه برای تحقق این هدف ارزشمند و والای فرهنگی گشوده شود.

جمع آوری و تهیه تصاویر، طرحها و از همه مهمتر انواع نقشه ها جنبه بسیار مهم و دشوار تهیه چنین اثری است. بدیهی است که سختی گرفتن اجازه چاپ و تهیه کاغذ لازم را نیز باید بر همه دشواریهای ذکر شده افزود. ولی استقامت این گروه همه موانع را با بردباری و اندیشمندی از میان برداشت و اولین جلد فرهنگنامه کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۱ در شش هزار نسخه به بازار آمد. تیراژ جلد چهارم آن که در سال ۱۳۷۷ منتشر شد یازده هزار نسخه بود.

سرانجام این آرزوی دیرین همه فرهنگدوستانی که با آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان سر و کار داشتند جامعه عمل پوشید. تاکنون شش جلد از این فرهنگنامه منتشر شده است و هفتمین آن نیز به زودی انتشار خواهد یافت. تهیه مقالات جلد های هشتم و نهم نیز به سرعت در حال پیشرفت است.*

بدیهی است که انجام دادن چنین کاری بدون داشتن سازمانی منظم غیر ممکن است. سازمان فرهنگنامه دارای چهار گروه اصلی است: گروه اجرایی، شورای ویراستاران که تعداد گروه های ویرایشی آن اکنون به بیش از بیست رسیده است، گروه مالی و گروه دبیرخانه. خانم توران میرهادی دبیر اجرایی فرهنگنامه هستند و اولین سر ویراستار آن شادروان ایرج جهانشاهی بود.

برای این که خواننده محترم تا حدی به گستره کاری ببرد باید خاطر نشان کرد که در تهیه جلد اول که شامل حرف «آ» است، ۶۲ نفر از نویسندگان در رشته های گوناگون با همکاری ۱۷ ویراستار و ۲۶ کودک و نوجوان و ۲۱ مشاور متخصص شرکت داشته اند. طبیعی است که اسامی و تعداد پدید آورندگان هر جلد با جلد های دیگر تفاوت دارد ولی در عین حال نام عده ای از آنان را در فهرست همکاران همه جلد ها می بینیم. متأسفانه از میان

همکاران جلدهای اولیه شماری دیگر در این جهان نیستند: افرادی چون ایرج جهانشاهی، عباس یمینی شریف، هوشنگ شریف زاده، مهری آهی، مهرداد بهار، غلامحسین یوسفی، دکتر عباس زریاب خویی و...

آنچه جالب توجه است نحوه کار گروهی و مشورتی این افراد است. با مطالعه مصاحبه های خانم میرهادی متوجه می شویم که دست اندر کاران تهیه فرهنگنامه به قول معروف از «من» ها گذشته اند و اصل را کودک و نوجوان و آنچه برای او مناسب تشخیص دهند قرار داده اند. شاید همین روال کار مخلصانه و در اغلب موارد داوطلبانه است که سبب ازدیاد روزافزون سازمانهای دولتی و ملی ست که به یاری پدید آوردن چنین اثری برخاسته اند.

درباره کیفیت این اثر گذشته از ستودن همکاری گروهی بسیار متنوع در رشته های مختلف باید از گستردگی دید و دقت نظری که در تهیه مقالات و نقشه ها و تصاویر و طرحها به کار رفته است نیز با تحسین بسیار یاد کرد. برای پی بردن به گسترش کار به عنوان مثال توجه کنیم به چهار جلد اول این اثر که به مقاله هایی که برای حرف «الف» در نظر گرفته شده بودند اختصاص دارند. در این چهار جلد ۷۸۴ مقاله، ۱۵۷ عنوان ارجاعی، ۱۷۴۰ تصویر، ۱۹۱ نقشه، ۱۳۰ نمودار با زبانی ساده و روان و قابل درک خوانندگان این گروه سنی ارائه شده است. در تهیه مقالات نه تنها از افراد متخصص در رشته های گوناگون استفاده شده است بلکه فرهنگنامه از نظرات مشاوران علمی و فنی متعددی نیز برخوردار است. در آغاز هر جلد از فرهنگنامه نام کلیه کسانی که در تهیه آن جلد سهیم بوده اند با ذکر تخصص هر یک آمده است.

شک نیست که در طول زمان صاحب نظران با دیدی تیزبین یک یک مقالات را دقیقاً مطالعه خواهند کرد و به اشکالات و کمبودهایی برخورد خواهند کرد و پدید آورندگان اولین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان ایران را هدایت خواهند فرمود تا این نهال تازه چنان که باید و شاید بیابد و بر ثمرات خود بیفزاید. در این زمینه در پایان مقدمه جلد چهارم می خوانیم:

فرهنگنامه ها بیش از سایر کتابها، نیازمند نکته بینهای عالمانه و نقد و نظر خوانندگان آگاه خود هستند. وظیفه خود می دانیم از تمامی کسانی که از آغاز انتشار جلد اول فرهنگنامه تا کنون، با ارسال پیشنهادها و یادداشتهای خود، ما را در رفع نواقص کار یاری داده اند سپاسگزاری کنیم.

امیدواریم صاحب نظران و کارشناسان تعلیم و تربیت نسل جوان از راهنمایی ما دریغ نوزند.